

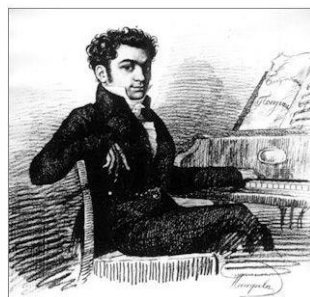
آلکسی نیکولایویچ ورستووسکی به مناسبت صد و شصتمین سال روز آهنگ ساز

زادروز: 1 ماه مارس 1799

روز مرگ: 17 نوامبر 1862

پیشه: آهنگ ساز، کنش گر هنر نمایش

کشور: روسیه



موسیقی دان، آهنگ ساز و کنش گر توانای هنر نمایش، آ. ورستووسکی هم سال پوشکین و هم دوره بزرگتر گلینکا به شمار می آمد. در سال 1862 پس از مرگ آهنگ ساز، خرده گیر [نقاد] موسیقایی برجسته، آ. سروف نوشت که «ورستووسکی نام دارتر از گلینکا بود»، زیرا او، کامیابی پایدار بهترین نمایش آوازی ورستووسکی، «آرام گاه آسکولد» را انگیزه‌ی این جستار می دانست.

با اجرای برنامه در دنیای موسیقی سال‌های 1810، ورستووسکی بیش از 40 سال در کانون زندگی موسیقایی-پهنه‌ای روسیه جای داشته، و همچون آهنگ سازی پرکار و همچون سرپرست در آن بسیار هنربازی می کرد. آهنگ ساز با بسیاری از کنش گران برجسته‌ی فرهنگ هنری روسیه از نزدیک آشنا بود. او به گریبایدوف، آ.د. یوسکی و پوشکین «تو» می گفت. دوستی تنگاتنگ و هنر آفرینش گرانه‌ی هموند [مشترک]، او را با بسیاری از نویسندگان و دراماتورگ‌ها -بیش از هر کس با آ. پیساروف، م. زاگوسکین، س. آکساکوف پیوند می داد.

فرهنگ نوشتاری-نمایشی، درایش به سزایی بر برداشت‌های آهنگ ساز برجای گذاشت. نزدیکی به کنش گران رمانتسیم و هواداران اسلاوها، در درجه‌ی نخست بر پابندی ورستووسکی به روسیه‌ی باستان و کشش او به رویای «اهریمنانه»، به اندیشه‌ی شگفت آور پیوند یافته با بازسازی مهرورزانه‌ی نشانه‌های ویژه‌ی زندگی روزمره‌ی مردمی، رویدادهای راستین تاریخی بازتاب پیدا کردند.

ورستووسکی در زمین‌های سلیورستوف استان تامبووسک دیده بر جهان گشود. پدر آهنگ ساز پسر بیرون از پیمان زن و شوهری ژنرال [تیمسار] آ. سلیورستوف و یک زن ترک دریند بود و از این رو نام خانوادگی او -ورستووسکی- از بخشی از خانواده‌ی خویشاوند سرچشمه می گیرد و نام خود او به گروه بالادستی‌ها [اشراف]، همچون زاده‌ای از «خانواده سروران لهستانی» پیوست شد. پرورش موسیقایی پسر در جایگاه مناسبی روی داد. در خانواده، موسیقی جایگاه بزرگی داشت و پدر او دارای ارکستر وابسته به خود بود و نسک‌خانه‌ی (به نسبت آن دوران) بزرگی از نت‌ها را دارا بود. آهنگ ساز آتی از 8 سالگی همچون پیانیست شروع به اجرای برنامه در کنسرت‌های دوست‌داران موسیقی کرده و به زودی گرایش او به ساختن موسیقی نمایان شد.

در سال 1816 بنا برخواست پدر و مادر، نوجوان به دانشکده‌ی راه‌سازی در پترزبورگ سپرده شد. اما، پس از تنها یک سال آموزش در آنجا، او دانشکده را به‌کنار گذارده و سرگرم کار کشوری [دولتی] شد. دنیای موسیقی پترزبورگ، جوان شایسته را دربرگرفت و او آموزش موسیقیایی خود را به‌سرپرستی نام‌دارترین آموزش‌گران پترزبورگ ادامه می‌دهد. ورستووسکی نزد د. اشتایبلت و ج. فیلد آموزش نواختن فورته پیانو و همچنین نواختن ویولن را فرا می‌گرفت، دانش همگانی موسیقی و پایه‌های آهنگ‌سازی را نیز یاد می‌گرفت. در اینجا، در پترزبورگ، کشش به‌سوی نمایش، که او تا پایان زندگی هوادار آتشین آن برجای می‌ماند، زاده و استوار می‌شود. با شور و گرمای ویژه‌ای، ورستووسکی همچون بازی‌گری در نمایش‌های دوست‌داران هنر نمایش، هنبازی کرده، و دویل‌های فرانسوی را به‌زبان روسی برگردانده، موسیقی برای اجراهای نمایشی می‌نویسد. او با نمایندگان برجسته دنیای نمایش، سرایندگان، موسیقی‌دانان و هنرمندان آشنایی‌های گیرایی پیدا می‌کند. در میان آنان، فرهنگ نوشتاری‌شناس [ادیب]، ن. خلمنیتسکی، دراماتورگ سترگ، آ. شاخووسکی، خرده‌گیر، پ. آراپوف، آهنگ‌ساز، آ. آلیاییف دیده می‌شدند. در میان آشنایان او همچنین ن. وسه و لژسکی، پایه‌گذار انجمن فرهنگ نوشتاری [ادبی]-کشورداری [سیاسی] به‌نام «چراغ سبز» بود که بسیاری از دکابریست‌های آینده و پوشکین هموندان آن به‌شمار می‌آمدند. ورستووسکی نیز در این گردهمایی‌ها هنبازی می‌کرد. گمان می‌رود که در این زمان نیز نخستین آشنایی او با سراینده بزرگ - پوشکین - رخ داد.



در سال 1819 آهنگ‌ساز بیست ساله نام‌دار شد که این نام‌داری برای او اجرای وُدویل «طوطی مادر بزرگ» (برپایه‌ی نوشته‌ی خلمنیتسکی) را به‌همراه آورد. با نیرو گرفتن از این کامیابی، ورستووسکی برآن می‌شود تا خود را در خدمت هنر دوست‌داشتنی خود بسپارد. به‌دنبال وُدویل نخستین، وُدویل‌های «جایگاه پیشگیری از پراکنده‌سازی بیماری [قرنطینه]»، «نخستین اجرای تروپه پولسکایا - بازی گر زن»، «دیوانه خانه، یا پیوند زن و شوهری شگفت‌انگیز» و کارهای دیگر آمدند. وُدویل، وارد شونده از نمایش اجرایی فرانسوی به روسیه و دگرگون شده برای شنونده و بیننده‌ی روسی، بدل به یکی از ژنرال‌های دوست‌داشتنی دوست‌داران موسیقی روسی آن دوران شد. او با باریک‌بینی و شادی، پراز خوش‌بینی زنده‌دلانه، رفته رفته آیین‌های [سنت] نمایش آوازی فکاهی روسی را درونی کرده و از پارچه‌های نمایشی سرگرم‌کننده به همراهی موسیقی، نمایش آوازی-وُدویل پدید می‌آورد که در آن موسیقی نقش ارزشمند دراماتیک را بازی می‌کند.

هم‌دورانان ورستووسکی او را نویسنده بسیار ارزشمندی در گستره وُدویل‌ها می‌دانستند. گریبایدوف در روند کار هموندانه بر روی وُدویل «چه کسی برادر، چه کسی خواهر است، یا فریب در پی فریب» (1823) به آهنگ‌ساز نوشت: «در زیبایی موسیقی تو هیچ‌گونه گمانی نیست و از پیش برای آن به تو شادباش می‌گویم». بلینسکی، یک هوادار سرسخت هنر والا چنین نوشت: این وُدویل (یک گونه یا ژانر موسیقیایی - نمایشی) یک بیهوده‌گویی صد در صد معمولی به‌شمار نمی‌آید بلکه یک چیز زنده‌دلانه، یک چیز شایسته‌ی نیرومند موسیقی، بیش از سی وُدویل از آن ورستووسکی است. و هر چند برخی از آنها همراه با آهنگ‌سازان دیگر نوشته شده، اما این او بود که همچون پایه‌گذار این ژانر در روسیه، سازنده‌ی آن گونه که سروف نوشت «قانون‌گذار خودویژه موسیقی وُدویل» شناخته شد.

ابتدای درخشان کنشگری آهنگ‌سازی ورستووسکی، پلکان کاری خدمتی او را پایدار ساخت. در سال 1823 در پیوند با به‌کارگیری او در دفتر استنادار بنیادین ارتشی مسکو، د. گالیتسین، آهنگ‌ساز جوان به مسکو رفت. با نیرو و شور ویژه، او وارد زندگی نمایش مسکو شده، آشنایی‌ها، تماس‌های دوستانه و هنری آفرینش‌گرانه‌ی تازه پدید آورد. در درازای 35 سال، ورستووسکی با سرپرستی بخش‌های برنامه‌های اجرایی و همه‌سازماندهی‌ها و کارهای در پیوند با دادوستد، در دفتر خانه‌های نمایشی مسکو خدمت کرده، و به‌راستی تنها گروه نمایش آوازی-دراماتیک خانه‌های نمایش بزرگ و کوچک در آن‌دوران را سرپرستی می‌کرد. و بی‌خود نیست که دوران کنشگری خدمت او به هنر نمایش از سوی هم‌دورانان او، «دوران ورستووسکی» نامیده می‌شد. بنابر یادمان‌های آدم‌های گوناگونی که او را می‌شناختند، ورستووسکی کنش‌گری بی‌اندازه برجسته بود که توانایی سرشتین موسیقی را با خرد نیرومند یک سازمان‌دهنده-کار عملی در زمینه نمایش را با یک‌دیگر می‌آمیخت. بی‌پروا [توجه] به کنشگری‌های بسیار خود، ورستووسکی بسیار موسیقی می‌نوشت. او نویسنده نه تنها موسیقی نمایشی، بلکه آوازها و رمانس‌های گوناگون، که با کامیابی بر روی پهنه‌ی اجرایی اجرا و به‌گونه‌ای پایدارانه به زندگی روزمره‌ی مردم وارد شده، به‌شمار می‌آمد. به تحقق درآوردن ملودی‌های آوازی-رمانس گونه‌ی مردمی یا خلقی و دارای کاربرد ... در آن‌زمان ژانرهای بودند که نزد مردم بسیار محبوب بودند و او برپایه یکی از این ژانرها نمایش آوازی-بالت می‌نوشت و می‌خواست تا ساخته‌های اش دارای قدرت، احساس نیرومند درونی و اصالت دار باشند. گرمای درخشنده و نیروی ویژه‌ی زنده‌دلانه، به‌روشنی آفریده‌های او را از هنر آفرینش‌گرانه‌ی بیشتر هم‌دورانان او که بیشتر به‌گونه‌ی گلابه‌آمیز آرایش یافته-اند، جدا می‌سازد.

شایستگی ورستووسکی به‌گونه‌ای همه‌سویانه و خودویژه در آوازها-بالادهای او که خود او آنها را «کانتاتاها» می‌نامید، نمایان شد. اینها، ساخته‌های سال 1823 به‌شمار می‌آمدند: «شال سیاه» (بر روی سروده‌ی پوشکین)، «سه ترانه» و «خواننده‌ی پی‌چیز» (بر روی سروده‌ی و. ژوکوفسکی)، که کشش آهنگ‌ساز به برداشت نمایشی، درماتیزه شده رمانس را بازتاب می‌دادند. این «کانتاتاها» به‌گونه‌ی نمایشی - به‌گونه‌ی آرایشی [تزئین شده]، با جامه‌ها و همراهی ارکستری نیز اجرا می‌شدند. ورستووسکی، کانتاتا‌های بزرگ برای تک‌خوان‌ها، گروه آوازی و ارکستر و ساخته‌های گوناگون آوازی-ارکستری «گهگاهی» و کنسرت‌های دینی آوازی گروهی می‌ساخت. موسیقی نمایشی برای او ارزشمندترین پهنه‌ی کاری به‌شمار می‌آمد.

در بازمانده‌ی هنری آفرینش‌گرانه‌ی ورستووسکی 6 نمایش آوازی دیده می‌شوند. نخستین آنها - «پان توآردووسکی» (1828) - بر روی داستان‌نامه‌ی زاگوسکین به‌نام «چکامه‌ی دهشتناک» برپایه‌ی گونه‌ی اسلاوی باختری (لهستانی) افسانه‌ی درباری فاوست نوشته شده. نمایش آوازی دومی، «وادیم یا بیدار شدن دوازده دختر پاک [باکره] خفته» (1832)، برپایه داستان ژوکوفسکی «آذرخش، یا دوازده دختر پاک خفته»، برپایه‌ی جستاری از زندگی روسیه‌ی کی‌یف بود. رویداد نمایش آوازی در کی‌یف باستان رخ می‌دهد و نمایش آوازی سوم - پراوازه‌ترین نمایش آوازی ورستووسکی - «آرام‌گاه آسکولد» (1835) برپایه‌ی بخش‌هایی از چکامه‌ی تاریخی-رمانتیک زاگوسکین با همین نام است.



دوست‌داران موسیقی با شور بسیار پیدایی سه نمایش آوازی نخستین ورستووسکی را که در تلاش برای پدیدآوردن نمایش آوازی مردمی روسی، برپایه‌ی رویدادهای تاریخی-افسانه‌ی از گذشته‌ی نیمه‌افسانه‌ای دور و بازتاب رمانیزه شده‌ی رویدادهای تاریخی، گسترش یافته با آیین‌ها، آوازها، ورشک‌های آنان، مناسب با مزه [ذوق]‌های دوران رمانتیسم بود، شادباش می‌گفتند: ناهمسانی زندگی راستین قهرمانان از میان مردم و دنیای رویایی تیره اهریمنی نیز رمانتیک است. ورستووسکی گونه‌ی نمایش آوازی ترانه‌ای روسی را پدید آورد، که آواز-وشک روسی-اسلاوی، رمانس گلایه‌آمیز، بالادهای دراماتیک، ویژگی بنیادین آن به‌شمار می‌آید. آوازدارگی، سرایش‌گری آوازی را او بنیادی‌ترین روش در ساختن سرشت‌های زنده، بیان‌دار و پردازگر درایشات آدمی می‌دانست. ناهمسان با آن ولی، بخش‌های رویایی، جادویی-اهریمنی نمایش‌های آوازی او با راه‌های بیانی ارکستری، و همچنین با کمک کاربرد بسیار ویژه‌ی ملودرام (یعنی سخن‌گویی بر زمینه همراه ارکستری) در آن دوران پردازش می‌شدند. این‌گونه هستند بخش‌های «هراس‌انگیز» افسون‌ها، جادوگری‌ها، نمایان‌شوندگی فروهرهای [ارواح] بدسرشت «دوزخی». کاربرد ملودرام در نمایش‌های آوازی ورستووسکی صددرصد یک چیز روشنی به‌شمار می‌آمد، زیرا آنها با خود یک ژانر موسیقایی-دراماتیک آمیخته به‌شمار می‌آمدند که دربرگیرنده‌ی بخش‌های گفت-وگویی پراکنده [منثور] بودند. درخور نگارش است که در «وادیم» بازیگری بنیادین، که برای سوگ‌نامه‌ی نام‌دار پ. موچالوف به‌دیده انگاشته [درنظر گرفته] شده بود، صددرصد دراماتیک بود.

پیدایش «ایوان سوسانین» گلینکا، که یک سال پس از «آرام‌گاه آسکولد» بر روی پهنه‌ی اجرایی نمایش داده شد (۱۸۳۶)، و ابتدای دوران نو در تاریخ موسیقی روسی را پایه‌گذاری کرد، هر چیز پیش از آن را در سایه گذاشته و جا را برای نمایش‌های آوازی رمانتیک ساده‌ی پیش از این زمان ورستووسکی تنگ کرد. آهنگ‌ساز به‌گونه‌ای بیمارگونه از این‌که پرآوازی‌اش از دست رفته، در نگرانی به‌سر می‌برد. او به آده‌یوسکی نوشت: «از همگی نوشته‌های تو در ستایش از من، من فراموشی بی‌چون‌وچرا را نسبت به خود دیدم، گویی که من، باشنده نبودم [وجود نداشتم]...». «من نخستین ستایش‌گر شایستگی بسیار گلینکا هستم، اما نمی‌خواهم و نمی‌توانم او را برتر [از خود] بدانم».

ورستووسکی که نمی‌خواست ازدست دادن جایگاه نخست موسیقایی خود را بپذیرد، به ساختن نمایش آوازی ادامه داد. نمایش‌های آوازی زیر بر روی جستارهایی از زندگی آن روزی روسیه در درازای دوران پایانی زندگی او پدید آمدند: «دل‌تنگ از برای دوری از میهن» (۱۸۳۹)، نمایش آوازی داستانی-جادویی «رویای بیداری، یا دره چوروف» (۱۸۴۴) و نمایش آوازی بزرگ افسانه‌ای-رویایی «آذرخش» (۱۸۵۷) - گواهی بر کاوش‌های هنری آفرینشگرانه، هم نسبت به ژانر نمایش آوازی، هم در پهنه‌ی سبک‌شناسی‌اند. اما با وجود نوآوری‌های کامیابانه، به‌ویژه در نمایش آوازی پایانی «آذرخش»، دارای رنگ روسی-اسلاوی ویژه برای ورستووسکی، آهنگ‌ساز نتوانست به نام‌داری پیشین خود بازگردد.



در سال ۱۸۶۰ او از کار در دفترخانه‌ی نمایش مسکو کناره‌گیری کرد و در ۱۷ سپتامبر سال ۱۸۶۲، پس از گذشت ۵ سال از مرگ گلینکا، از دنیا رفت. کنتات «جشن پیوتر بزرگ» بر روی سروده‌ی سرایش گر دوست داشتنی او آ. س. پوشکین پایانی‌ترین ساخته‌ی او بود.

ت. کورژنیانتس

برای آشنایی [بیشتر] با هنر آفرینش‌گرانه‌ی ورستووسکی، پیشنهاد می‌کنم به برخی از ساخته‌های او در فهرست زیر گوش دهید:

گزیده‌هایی از رمانس‌ها، ترانه‌ها و آفریده‌های آوازی به‌همراه نمایش آوازی «آرام‌گاه آسکولد»

برگردان از زبان روسی به زبان پارسی از بابک بردیا (آهنگ‌ساز، پروفیسور [استاد] رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا، نوازنده پیانو و آموزگار در این رشته‌ها!)